

خلاصه مقاله «اهل ایمان»

قرآن کریم در جاهای بسیار تأکید می‌کند کسی که اعمال ناپسند انجام می‌دهد یا واجبات خویش را انجام نمی‌دهد، در معرض الحاد و انحراف و کفر است، چراکه ترک عمل به ضعف اصول منجر می‌شود. زمانی که آدمی دغدغه داشته باشد و احساس کند که مأموریت و هدف خاصی دارد، خود را در ورطه باطل نمی‌اندازد و وقت خویش را هدر نمی‌دهد و به لَهو و امر بیهوده نمی‌پردازد.

ایمان از اهتمام به امور محرومان و رنج‌دیدگان جدا نیست. چندین بار تأکید کرده‌ایم که ایمان حقیقی دو بُعد دارد: بُعد الهی که سمت و سوی آن به سوی خداست و بُعد بشری که سمت و سوی آن به سوی مردم است و این دو جدایی‌ناپذیرند. بنابراین، مؤمنان کسانی هستند که زکات را می‌پردازند.

آدمی توانایی‌ها و نیازهایی دارد. همان‌طور که خدا نیاز به خوردن و نوشیدن را در او خلق کرده است، نیاز او به جنس مخالف نیز حقیقت و واقعیتی است که انسان در حیات خود با آن زندگی می‌کند. اگر هر نیازی را برآورده کنیم و از حدود حقیقی فراتر نرویم و اجازه ندهیم آن نیاز بر سایر نیازها پیشی بگیرد، آن نیاز و برآورده کردن آن نعمتی از سوی خدای، سبحانه و تعالی، خواهد شد.

قرآن کریم، سپس، می‌افزاید که مؤمن همان کسی است که امانت و عهد خویش را رعایت می‌کند و بر نماز خود مراقب است. کسی که از ادای امانت سر باز زند و به عهد خویش وفا نکند، گمراه است و مؤمن نیست. بنابراین، ایمان در اینجا ایمان انتزاعی نیست، بلکه باید با نماز و پرهیز از بیهوده و اهتمام به امور محرومان و حفظ پاکدامنی با حلال و ادای امانت و وفای عده همراه باشد. این مؤمنان پیروز خواهند شد.